

«قواعد رزق و روزی»

خدا چگونه زندگی ما را مدیریت می کند؟

آدم وقتی کمی اهل دقت باشد، نیاز به دین و ایمان حسابی هم ندارد. کمی عقلانیت و دقت کافی است برای فهمیدن این حرف که، انگاری زندگی ما جدای از تلاش ما، جدای از برنامه ریزی ما، دارد توسط کس دیگری مدیریت می شود.

گاهی آنقدر انگیزه مند می شوی برای یک کاری، شروع می کنی به حرکت و برنامه ریزی، وسط کار نگاه می کنی تمام این انگیزه ها شل و ول شد؛ چرا؟ چه کسی به تو شوق داد؟ چه کسی دست و پای تو را شل کرد؟

قشنگ آدم احساس می کند خودش نبود. انگاری کسی آدم را هل داد، بعد انگار کسی آب روی آتش انگیزه های تو ریخت و خاموش شد. یک روز برای رسیدن به آن هدف خودکشی می کردی الان به آن هدف نگاه می کنی حالت بهم می خورد. بالاخره در تمام فعالیت های زندگی یک روزی عاشقی، یک روزی فارغی. این یک حالتی است که در انسان پدید می آید. دائما حال انسان نوسان دارد. نه تنها در زندگی، در بندگی هم همین طور هست؛ گاهی حال عبادت داری، گاهی اصلا حال عبادت نداری.

این وضع طبیعی ما هست حالا از این وضع طبیعی به چه چیزی منتقل می شویم؟ به مدیریت فعال خدا در زندگی خودمان. ما تنها با برنامه ریزی خودمان در دنیا زندگی نمی کنیم، ما با مدیریت خدا داریم زندگی می کنیم. امیرالمومنین فرمود من خدا را شناختم، یعنی پی به حضور خدا، به مدیریت خدا در زندگی خودم بردم چه زمانی؟ زمانی که تصمیم جدی برای کاری گرفتم بعد دیدم سست شد انگیزه ها، فرمود: «عَرَفْتُ اللَّهَ بِقَسْخِ الْعَزَائِمِ وَحَلِّ الْعُقُودِ، وَتَقْضِ الْهَمَمِ؛

خداوند را از تغییر یافتن قصدها و گشوده شدن گره‌ها و در هم شکستن خواست‌ها شناختم.»^۱،
یعنی خدا را شناختم؛ زمانی که عزم‌ها از بین رفت. انگیزه‌ام شل شد.

لحظه‌ی خداشناسی!

رفقا! این لحظه را باید غنیمت شمرد. این لحظه، لحظه‌ی خداشناسی است. لحظه‌ی که شما توجه پیدا می‌کنی که یک نفر هست برنامه‌های شما را تغییر می‌دهد. انگار کس دیگری دارد زندگی شما را مدیریت می‌کند. این لحظه‌ی هست که خدا خودش را به ما نشان می‌دهد. این لحظه‌ی هست که خدا از پس پرده غیب بیرون می‌آید، لحظه‌ی تماشای خداست. لذا به ما گفتند هر کاری می‌خواهید انجام بدهید آخرش این عبارت را اضافه کنید ان شاء الله یعنی اگر خدا بخواهد فردا می‌خواهم بروم مسافرت، اگر خدا بخواهد، امروز می‌آیم سرقرار. چرا مرتب می‌گویی ان شاء الله، برنامه ریزی کن، قول بده تمام شد دیگر. نه مدیریت خدا در زندگی ما فعال هست. اصلا خدا با مدیریتش رخ نمایی می‌کند. خودنمایی می‌کند یعنی خودش را به نمایش می‌گذارد.

تمام برنامه ریزی خودت را کردی بروی زیارت، تمام برنامه ریزی خودت را کردی بروی به زیارت، می‌بینی یک نفر دیگر تو را آورد به زیارت، می‌بینی تمام کارها به هم گره خورد نتوانستی بروی زیارت. من اسم این وضعیت را می‌گذارم مدیریت خدا. حالا بیشترین بخش از مدیریت خدا، که با آن بخش درگیر هستیم، مسئله رزق و روزی است. خیلی خودمانی اش می‌شود ثروت و فقر هست.

^۱ نهج البلاغه: الحکمة ۲۵۰.

اگر ما بخواهیم زندگی خودمان رو جمع و تفریقی بزینم. چرتکه بندازیم ببینیم چقدر عمر مفید داریم، آخرش از این عمر خودمون چند کاسب میشیم؟ آخرش چند؟ آخرش چند سال عمر مفید داریم؟ خیلی خوش بینانه نگاه کنیم میانگن هفتاد سال تو این دنیا هستیم، از این هفتاد سال چند سالش رو خوابیم؟ به طور میانگین یک سوم عمر خودمون رو می خوابیم حدود ۲۵ سال. فقط خواب ما حساب کردیم حالا خوردن و دوران بچگی دوران پیری و از کار افتادگی رو بگذاریم کنار ۵ سال رو بدهیم به این کارها. چقدر دیگر از عمر مفید ما می ماند؟ ۴۰ سال تازه اگه ۷۰ سال عمر کنیم. ما سر جمع ۴۰ سال وقت داریم. تازه خیلی ها هم نصف این ۴۰ سال را استفاده کرده اند. یعنی اگر بخواهیم از زندگی انسان خروجی بگیریم، شاید حدود ۲۰ الی ۳۰ سال عمر مفید انسان است.

چقدر خوبه آدم از کل زندگیش این طوری جمع بندی کند درجا روحش بزرگ میشود. محدودیت خودش رادرك میکند. تمام بالا و پایین پریدن ها فقط برای ۲۰ الی ۳۰ سال هست. حالا این مدت محدود بیشتر وقت مان به چه میگردد؟ به کار کردن برای روزی در آوردن. ما بیشتر وقت خودمان را برای چی می گذاریم؟ برای کسب رزق و روزی.

پس چیزی که بیشتر از هر چیز دیگری ما را با خدا وصل میکند رزق و روزی هست. رزق و روزی آن بخشی است که بیشترین درگیری و دغدغه زندگی ماست. حالا این رزق و روزی قاعده داره یا نه کشکی هرکی هرچی تلاش کند او بیشتر می برد؟

قدرت و ثروت، آرزوی همیشگی

ببینید قدرت و ثروت، همیشه برای انسان محبوب و مقبول بوده است. لذا گاهی تمام عمر خودشان را تلاش می کنند تا به قدرت یا ثروت برسند، اما هیچ گاه نه همه انسان ها، به قدرت

آنچنانی رسیدند و نه همه انسان ها به ثروت آنچنانی. عده کمی هستند که به قدرت و ثروت می رسند. این عده کم، هم معمولا یا راه خوبی را برای رسیدن به قدرت و ثروت انتخاب نکرده اند یا بعد از رسیدن به قدرت و ثروت از راه درست، برای حفظ قدرت و ثروت، راه های غلط استفاده کرده اند.

با این حال، هیچ گاه ثروت و بعد قدرت، از چشم انسان نیفتاده است. خیلی از آدم ها برای رسیدن به ثروت و قدرت به آب و آتش می زنند، هزاران راه بی راهه را انتخاب می کنند تا به ثروت و قدرت برسند. اما عجیب اینجاست که کم نیستند کسانی که هم راه درستی برای رسیدن به قدرت و ثروت انتخاب کرده اند هم استعداد خوبی برای رسیدن به قدرت و ثروت یا شهرت داشتند اما هرگز علی رغم تلاش های جدی که کرده اند نه قدرت رسیده اند نه به ثروت و نه به شهرت.

از آن طرف عده هم هستند که با کمتر از این تلاش ها، با کمتر از این استعدادهای به قدرت، ثروت و شهرت رسیده اند و آدم انگشت به دهان می ماند که چطور این آدم به اینجا رسیده است. پارتی و بند پ هم نداشته ولی به عالی ترین نقطه ها پرتاب شده است.

مهم تر از تلاش و استعداد، در کسب ثروت و قدرت!

ما باید علاوه بر عنصر، تلاش، استعداد، عنصر مدیریت خدا را در بخش خصوصا رزق و روزی به صورت جدی مد نظر قرار دهیم. مدیریت خدا در تنظیم میزان رزق و روزی، ثروت و فقر، آن بخش جدی ماجرای رابطه ما با خداست. مدیریت خدا در زندگی ماست.

فقط مدیریت خدا را در زندگی خودت در بخش رزق و روزی که بیشترین دغدغه و تلاش ما اینجا هست، ندید گرفتی، با مشکلات بسیاری مواجه می شوی. فقط ببین خدا هست همین! خدا فقط به تلاش تو نمره نمی دهد. گاهی حتی داری، از دارایی هایت لذت نمی ببری. این خیلی

وحشتناک هست. وقتی کسی بخواهد خدا را دور بزند، به مدیریت خدا در زندگی خودش کافر باشد. یعنی ندیدی بگیرد. خدای هست. خدا تقسیم کننده روزی ها هست. همه روزی ها با تلاش و تدبیر تو به دست نمی آید. باید دم او را هم ببینی. قواعد رزق و روزی او را هم آشنا باشی وگرنه خدا کاری می کند که از ماشینی که داری لذت نبری، از خانه که داری لذت نبری از تمام دارایی هایت لذت نبری، انگاری بودن یا نبودن آنها برای تو یکسان می شود. انگاری روزی تو نیست.

استادی می گفت روزی آن چیزی هست که از گلوی انسان پایین می آورد. بعد می گفتند من دوستی دارم که باغی دارد. به من مرتب زنگ می زند و می گوید حاج آقا برو داخل باغ من، بعد می گفت یک روز به او گفت روزی من از باغ شما، از روزی شما از باغ خودتان بیشتر هست. گفت چطور مگر؟ گفتم شما ماهی چند بار به باغتان می روید؟ گفت خودم کمتر فرصت می شود. گفتم ولی گاهی اوقات بنده بیشتر از شما می آیم از باغ شما استفاده می کنم. این می شود رزق و روزی.

صبوری، اولین قاعده رزق و روزی

در شب شهادت امام عسکری (ع) می خواهیم از قواعد رزق و روزی که حضرت فرمودند بهره مند شویم و این حرف هم روزی ما شود از بیان و سخن گوهر بار پدر امام زمان عج. قاعده اول در رزق و روزی: حضرت فرمود: «ادْفَعِ الْمَسْأَلَةَ مَا وَجَدْتَ التَّحَمُّلَ يُمَكِّنُكَ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ رِزْقاً جَدِيداً؛ تا جایی که می توانی تحمل کنی دست نیاز دراز مکن؛ زیرا هر روز، روزی تازه ای دارد.» قاعده اول در رزق و روزی این است که تا می توانی قرض نکن، چرا؟ چون هر روز، رزق جدیدی در راه هست. الان اکثر زندگی ما، با قرض سپری می شود. قرض گرفتن، حالت اورژانسی دارد. دیگر نتوانستی برو سراغ قرض. اما الان قرض گرفتن، شده یک سبک زندگی در شرق و غرب

عالم. اثر روانی قرض کردن، می دانید چیست؟ غصه. فرمود: «الدَّيْنُ هَمٌّ بِاللَّيْلِ وَ دُلٌّ بِالنَّهَارِ»^۲ من قبول دارم اوضاع اقتصادی الان سخت شده است، نمی شود بدون قرض زندگی کرد. اما گاهی اوقات آدم می بیند فرهنگ قرض گرفتن، وام های بانکی، برای ضرورت نیست. بسیاری از اوقات برای زوائد زندگی هست. فرهنگ مصرف، زود به زود، نو به نو کردن وسایل منزل، تبدیل شده به یک فرهنگ. در چنین وضعیتی معلوم هست که آدم نمی تواند بدون قرض زندگی کند. حالا تازه ای کاش قرض بود. سودهای شپهناک آنچنانی بانک ها و اشکالاتی که به سیستم بانکی ما وجود دارد، سر جای خودش جای بحث دارد.

پیامدهای مخرب روحی و روانی فرهنگ با وام زندگی کردن

فرهنگ قرض گرفتن با سودهای کلان، که دیگر اسمش قرض نیست اختصاصی به ایران ندارد، تمام جهان درگیری این ماجرا هست. الان یک سریال کره ای در جهان در عرض چند روز به فروش چند میلیاردی رسید، محتوای قصه همین هست. یعنی همه مردم جهان با این فیلم و شخصیت های آن هم ذات پنداری می کنند. روزنامه گاردین درباره این سریال می نویسد: «بدهی های خانگی در کشور کره جنوبی در سال های اخیر به شکلی چشمگیر افزایش یافته و به سطح باورنکردنی بیش از ۱۰۰ درصد درآمد ناخالص داخلی رسیده است؛ رقمی که در هیچ کشور دیگر در آسیا دیده نمی شود. این ماجرا را بگذارید کنار کاهش درآمد و افزایش خیره کننده بیکاری جوانان تا دریابید اقتصاد کره با چه هیولایی دست به گریبان است. بر اساس آنچه در این سریال به تصویر درآمده، یک بخت نامراد یا افزایش ناگهانی قیمت ها و سرمایه گذاری نامناسب می تواند یک نفر یا یک خانواده را به جایی برساند که فقط برای گذران زندگی و زنده ماندن به وام گیرندگان و قسط دهندگان حرفه ای تبدیل شوند.» پس الان دارد دنیا

^۲ عوالی، ج ۲، ص ۲۵۶.

به این مدل مدیریت می شود. مردم را برده بانک ها می کنند با وام های آنچنانی. نتیجه چه می شود؟ مردم نابود می شوند.

حضرت در ادامه فرمود: «وَاعْلَمَنَّ أَنِ الْإِلْحَاحِ فِي الْمَطَالِبِ يَسْلُبُ التَّهَاءَ وَ يُورِثُ التَّعَبَ وَ الْعَنَاءَ؛ بدان که پافشاری در درخواست، هیبت آدمی را می برد، و رنج و سختی به بار می آورد.»

حالا اگر قرض نکنیم، از دیگران درخواست نکنیم تا جایی که امکان دارد پس چه کنیم؟ حضرت فرمود: «فَاصْبِرْ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ لَكَ بَاباً يَسْهُلُ الدُّخُولُ فِيهِ؛ پس، صبر کن تا خداوند دری به رویت بگشاید که راحتی از آن وارد شوی» گاهی باید برای رزق و روزی فقط صبر کرد و مترصد فرصت بود تا خدا دری را به روی تو باز کند، تا به راحتی از آن در وارد شوی و از مشکلات خارج شوی.

بعد حضرت فرمود: «فَمَا أَقْرَبَ الصَّيِّعَ مِنَ الْمَلْهُوفِ وَ الْأَمَّنَ مِنَ الْهَارِبِ الْمَخُوفِ؛ چه نزدیک است احسان، به آدم اندوهناک، و امنیت، به آدم فراری وحشتزده» یعنی حضرت می فرماید خوشی ها، با ناخوشی ها در هم تنیده شده است. اگر کسی امنیت اقتصادی نداشت، امنیت روحی نداشت، این امنیت همین حوالی هست. دارد به تو نزدیک می شود. کافی است کمی صبر کنی.

در ادامه حضرت فرمود: «فَرَبَّمَا كَانَتِ الْغَيْرُ نَوْعاً مِنْ أَدَبِ اللَّهِ. ای چه بسا که دگرگونی و گرفتاریها، نوعی تنبیه خداوند باشد» اگر زندگی ات بالا و پایینی دارد، این بالا و پایین شدن، مدیریت خداست، این مدیریت توام با تربیت بندگان هم هست.

قاعده دیگر در رزق و روزی این است که روزی تدریجی است و نباید عجله کرد. فرمود: «وَالْحُظُوظُ مَرَاتِبَ فَلَا تَعْجَلْ عَلَى ثَمَرَةٍ لَمْ تُدْرِكْ فَإِنَّمَا تَنَالُهَا فِي أَوَانِهَا وَاعْلَمْ أَنَّ الْمُدْبِرَ لَكَ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ الَّذِي يَصْلُحُ حَالُكَ فِيهِ؛ بهره‌ها مرحله دارند؛ پس، برای چیدن میوه‌های نارس شتاب مکن، که به موقع آنها را خواهی چید. بدان، آن که تو را تدبیر می‌کند، بهتر می‌داند که چه وقت، بیشتر مناسب حال توست، پس در همه کارهایت به انتخاب او اعتماد کن، تا حال و روزت سامان گیرد.»

قاعده اعتماد به مدیریت خدا

خیلی اوقات ما به مدیریت خدا اعتماد نداریم، فکر می‌کنیم بهتر از خدا، می‌فهمیم کی و چه موقع به چه چیزی برسیم. حال آنکه او بهتر از ما می‌داند. اگر میوه را زودتر بچینی، میوه نارس نه طعم دارد نه مزه. ما خیلی اوقات عجله می‌کنیم در رزق و روزی در حالی که خدا می‌بیند این میوه هنوز نارس هست. بعد حضرت فرمود: «فَتَيْقُ بِخَيْرَتِهِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ يَصْلُحُ حَالُكَ فَلَا تَعْجَلْ بِخَوَائِكَ قَبْلَ وَقْتِهَا فَيَضِيقَ قَلْبُكَ وَصَدْرُكَ وَيَعْشَاكَ الْفُتُوطُ؛ اعتماد بحسن انتخاب او بکن تا اوضاع خوب شود. نیازهای خود را پیش از موقع با عجله مخواه که موجب تنگدلی و ناراحتی و ناامیدیت می‌شود»^۳

اکثر ناراحتی‌ها، ناامیدی‌ها، فقط به خاطر عجله برای رسیدن به روزی هست همین. اگر حالا یک جامعه صبور نباشد، در رسیدن به روزی‌های خودش چه اتفاقی می‌افتد؟ جامعه ناامید،

^۳ اعلام الدین، ص ۳۱۳.

جامعه ناراحت. ما نمی‌خواهیم بی‌تدبیری‌ها، تنبلی‌های خودمان یا برخی از سیاست‌مداران از گذشته تا حال را به گردن خدا بیندازیم، ما می‌خواهیم مدیریت خدا را در رزق و روزی ببینیم.

روزی مردم ایران!

روزی مردم ایران، آقایی و سروری جهان است. آبادانی‌های دنیای آنها هم هست، بارها مقام معظم رهبری فرمودند من به آینده ایران امیدوارم. آینده ایران بسیار بهتر از امروز ایران خواهد بود. منطبق این حرف چیست؟ الان را که نگاه می‌کنی، می‌بینی چقدر گرفتاری، چقدر سختی؟ چطور قرار هست به آن نقطه برسیم؟ اینجا نیاز به نهضت تبیین دارد. نیاز به صبوری کردن دارد؛ ما چه ریل‌گذاری‌هایی در صنایع، در اقتصاد داریم که در سالهای آینده ما را به مقصد می‌رساند؟

امام عسکری (ع)، قاعده اصلی رزق و روزی را صبوری کردن و عجله نکردن می‌دانند و اعتماد کردن به خدا. خدا فرموده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»^۴ هر امتی که دو تا ویژگی داشته باشد، من خدا برکاتم را از زمین و آسمان بر این مردم سرازیر می‌کنم. یکی ایمان و دیگری تقوا. ایمان خیلی معنای کلی دارد اما اگر بخواهیم جزئی‌تر نگاه کنیم ایمان به خدا، یکی از معنایش اعتماد کردن به خداست. اعتماد به مدیریت خدا. آیا خدا می‌تواند روزی ما را بدهد؟ آیا خدا به موقع روزی ما را می‌دهد؟ این‌ها قتلگاه روزی ما هست. از آن طرف تقوا هم معنای عامی دارد، تقوای در اقتصاد به چه معناست؟ گاهی تقوای در اقتصاد یعنی تنبلی نکردن، درست تدبیر کردن.

^۴ اعراف، ۹۶.